



نگاهی به شیوه فرزند پروری و تاثیر آن بر بنیان خانواده

افسانه مرزیه^۱، حسینعلی عطایی فر^۲، امیرحسین بامری^۳

۱.دکتر روانشناسی تربیتی و دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:marziyeh@ped.usb.ac.ir

۲.دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:Hosseinaliataei.in^{۱۸}@gmail.com

۰۹۳۰۵۱۰۰۹۸۷

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:amirhoseinbameri^{۲۰۲۰}@gmail.com

چکیده

فرزندپروری به شیوه غالب بر تربیت فرزندان از سوی والدین اشاره دارد و بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودکان تأثیر به سزایی دارد. در کشورهای غربی تحقیقات گسترده ای در مورد سبک های فرزندپروری و پیامدهای آن صورت گرفته است و بر آن اساس چهار سبک فرزندپروری مطرح شده است فرزند پروری مقتدرانه فرزندپروری مستبدانه فرزند پروری سهل گیرانه و فرزند پروری مسامحه کارانه این طبقه بندی بر پاسخ دهی و تقاضاهای والدین مبتنی است در متون و احادیث اسلامی نیز به شیوه تربیت فرزندان از دیدگاه معصومین (ع) اشاره شده است از دیدگاه اسلامی مسئولیت اصلی فرزندپروری به عهده پدر و مادر است آنها باید برای آموزش و تربیت فرزند بهترین شیوه ها را به کار گیرند هر یک از سبک های فرزند پروری با بروز و نگهداری رفتارها و ویژگی های خاصی در فرزندان رابطه نشان داده اند؛ برای مثال عزت نفس بالا پیشرفت تحصیلی و کفایتهای اجتماعی از جمله متغیرهایی است که با فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد همچنین مشکلات رفتاری افسردگی و سایر مشکلات روان شناختی با فرزندپروری مسامحه کارانه مرتبط اند با توجه به اینکه پژوهش های مربوط به فرزند پروری غالباً در کشورهای غربی صورت گرفته اند و با توجه به اهمیت فرزند پروری و تأثیر پذیری آن از مسائل فرهنگی مطالعه حاضر با هدف بررسی تطبیقی سبک های فرزندپروری در کشورهای غربی و از دیدگاه دانشمندان اسلامی صورت گرفته است. به این منظور سبک های فرزندپروری و تأثیر آن بر رابطه والدین و فرزندان و بروز مشکلات رفتاری شناختی و روان شناختی توصیف و تبیین شده است.

کلمات کلیدی: فرزند پروری، بنیان خانواده، شیوه های تربیتی



مقدمه

روان شناسان رشد همواره علاقه مند بوده اند که چگونگی تأثیر روش های تربیتی والدین را بر رشد قابلیت های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی نمایند. یکی از مهم ترین مباحث در این حوزه فرزندپروری «نامیده می شود (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳).

فرزند پروری فعالیت پیچیده ای شامل روشها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاشهای والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (با مریند، ۱۹۹۱). البته باید توجه داشت که در این تعریف روشهای بهنجار فرزند پروری مورد نظر است و روشهایی چون سوء استفاده از کودکان را در بر نمی گیرد با مریند روشهای فرزند پروری را براساس تفاوت های آن در کنترل فرزندان متمایز کرده است دارلینگ (۱۹۹۹) اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می رسد که همه والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان نقش اولیه را به عهده دارند. در متون اسلامی نیز فرزند پروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، زمینه سازی ها آموزشها، تعاملها و روشهایی است که به طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد. از دیدگاه اسلامی مسئولیت فرزند پروری در اصل به عهده پدر و مادر است. حضرت علی(ع) می فرماید: والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه ها را به کار گیرند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ ق) همچنین رسول اکرم(ص) چهره دیگر این مسئولیت پذیری از ناحیه والدین را حق فرزند بر والدین دانسته و بر لزوم پذیرش مسئولیت آموزش و پرورش فرزند تأکید فرموده است (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۲). امام صادق(ع) نیز به تأثیر والدین در بهداشت روانی فرزندان تأکید فرموده و مصونیت از ابتلا به ناهنجاریهای روانی اخلاقی شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل های بعدی آنان را به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته است (مجلسی ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵).

تعامل میان والدین و فرزندان با روش فرزندپروری آنان ارتباط دارد و به دلیل انطباق های مداومی که در آن صورت میگیرد پدیده ای پویا است. برای مثال مادران نوزادان و کودکان نوپای خود را مرتب در آغوش می گیرند و نوازش می کنند؛ ولی به تدریج که کودکان بزرگ میشوند ابراز محبت مادر تغییر شکل پیدا می کند، زیرا کودک از نظر شناختی رشد یافته و تغییر کرده است (هارتاپ و لارسن ۱۹۹۹) بنابراین همزمان با رشد کودکان روش ابراز محبت والدین به فرزندان از نظر شکل و فراوانی تغییر پیدا می کند (کولینس، ۱۹۹۷).

وضعیت اجتماعی اقتصادی، فرهنگ و نگرش والدین نسبت به فرزندپروری بر تعامل میان والدین و فرزندان تأثیر گذار است فلاین، ۱۹۹۴؛ جریس، دی کوپک و جانسنز، ۱۹۹۷؛ گودناو و کولینس، ۱۹۹۰؛ پیندر هیوز و دیگران، ۲۰۰۰؛ رورنر، کین و کورنویر، ۱۹۹۱). همچنین تغییرات بهنجار در تعامل والدین و کودکان در اجتماعی شدن کودکان نقش دارد شناخت تغییرات بهنجار در تعامل والد - کودک از عناصر کلیدی رویکردهای پویا محسوب میشود (کولینس و مدسن، ۲۰۰۳).

الگوهای تغییرات تحولی در تعامل والد - فرزند

بسیاری از والدین روشهای تربیتی خود را به تناسب ظرفیتهای و رفتارهای کودکان خود تغییر میدهند. یافتههای پژوهشی نشان داده اند قبل از اینکه کودکان مهارتی (نظیر راه رفتن غذا خوردن مستقل و لباس پوشیدن) را یاد بگیرند، والدین معمولاً وابسته بودن را در آنان تقویت می کنند و به تدریج که کودک مهارتی را کسب کنند والدین تمایل می یابند تا به تدریج به آنان استقلال دهند (کیندر من، ۱۹۹۳).

اگر چه بیشتر الگوهای انطباقی بر سازگاری یک سو به والدین با تغییرات تحولی فرزندان تأکید دارند ولی برخی از پژوهشها نشان داده اند که کودکان نیز خود را با درخواستها و تقاضاهای والدین سازگار می کنند (کوهن و ترونیک، ۱۹۸۷) سازگاری دوجانبه والد - کودک موجب میشود که فرایند کسب استقلال در کودک تسهیل شود. از این دیدگاه انتقال قدرت از والدین به فرزندان مستلزم طی سه مرحله است: ۱. نظارت و کنترل والدینی ۲. نظارت و کنترل والدین و فرزندان؛ ۳. خود نظم دهی.



در متون و روایات اسلامی نیز بر تعامل سازنده با فرزندان تأکید شده است و از والدین انتظار می رود تا هفت سالگی بر فعالیتهای فرزندان نظارت داشته باشند؛ ولی از تحمیل، پافشاری بازخواست و تنبیه خودداری نمایند و نیازها و خواسته های فرزندان را در حد طبیعی برآورده سازند. در هفت سال دوم والدین انتظار دارند فرزندان خوب تحصیل کنند و در جهت رشد علمی و تربیتی خویش فعال باشند پذیرای راهنماییهای والدین و معلمان خود باشند و آنها را الگوی مناسب خود قرار دهند.

در هفت سال سوم انتظار میرود که فرزندان از رشد عقلی کافی برخوردار بوده و با درک شرایط محیطی و عواقب اموزندگی خود را به طور شایسته مدیریت کنند و قدردان زحمات هایی که والدین برایشان کشیده اند، باشند؛ احترام آنها را داشته باشند و در امور مورد نیاز به آنها کمک کنند؛ عاقلانه رفتار نموده و از رفتارهای پرخطرانه و خلاف اخلاق پرهیز نمایند کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۶-۴۷).

والدین مسئول و فضیلت خواه انتظارات در حد توان از فرزندان خود دارند؛ در تعامل با آنان متناسب با سن و دوره های رشدشان عواطف نشان می دهند؛ آنها را تنبیه بدنی نمیکنند و از قهر و اعمال تنبیه های سخت و طولانی مدت پرهیز می کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۱۱۴).

والدین مسئول و فضیلت خواه تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا فرزندان نیکو پرورش یافته و اعمال خوب و شایسته انجام دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶۷) و باعث زینت افتخار و آبروی آنها باشد این شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۳) آنان آنچه را فرزندان در توان داشته و انجام داده از وی می پذیرند و کارهای بیش از توانش از او نمیخواهند و او را به گناه و کارهای ناشایسته وادار نمی کنند؛ به او دروغ نمی گویند و در برابر او رفتارهای خلاف اخلاق و ضوابط مرتکب نمیشوند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۱۱۴).

در شیوه مسئولانه والدین انتظار دارند فرزندانشان در آثار صنع الهی بیندیشند و در کارهای پروردگار اندیشه کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۴۰۲). با مداومت فکر در آفرینش خداوند دل و وجود خود را به سوی او متوجه نمایند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳۶). هیچ چیز را نه در خلقت و نه در تدابیر امور شریک خدا قرار ندهند و همیشه به یاد او باشند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۹) و رابطه محکم و مطمئن با او برقرار سازند " (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۵۲).

سبک های فرزندپروری

سبک های فرزندپروری یا شیوه های تربیتی والدین بر بروز ناهنجاری های رفتاری فرزندان اثرات قابل توجهی دارد نقش کیفیت رفتار والدین بر عملکرد تحصیلی، روابط با همسالان و سازگاری در دوره نوجوانی مشخص شده است (مکوبی، ۱۹۸۴). روشهای متفاوتی برای فرزندپروری مطرح شدهاند؛ از یک دیدگاه فرزندپروری به چهار روش تقسیم شده است که بر تقاضاها و پاسخ دهی والدین مبتنی است و عبارتند از: ۱. شیوه مقتدرانه؛ ۲. شیوه سهل گیرانه ۳. شیوه مستبدانه؛ ۴. شیوه مسامحه کارانه.

سبک های فرزند پروری واجد دو مؤلفه اساسی هستند:

۱. پاسخدهی صمیمیت و اطمینان بخشی که به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان حمایت و اطمینان بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱).

۲. تقاضاهای والدین (کنترل رفتاری که به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱).



فرزندپروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ دهی بالای والدین مشخص می گردد. والدین مقتدر معمولاً مقررات سختی برای فرزندانشان وضع می کنند و بر اجرای آن پافشاری مینمایند آنان فرزندانشان را تشویق میکنند که مستقل باشند، علاقه زیادی به پیشرفت فرزندان خود دارند، بازخوردهای مثبتی نسبت به پیشرفت آنان نشان می دهند و به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود کمک می کنند (بامریند، ۱۹۹۱؛ لین و فو، ۱۹۹۰؛ نیهرا، مینک و میرز (۱۹۸۵) والدین مقتدر همچنین فرزندان خود را هدایت و کنترل میکنند با استدلال منظور خود را روشن و صریح بیان کرده و فرزندان را در دستیابی به اهدافی که خود برای آنها تعیین کرده اند، کمک و هدایت میکنند و نسبت به موفقیت های آنها واکنش مثبت نشان می دهند (بامریند، ۱۹۹۱).

باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می شود؛ در صورتی که وجود اقتدار غیر منطقی که براساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و در نهایت افسردگی منجر می شود (کولمن، ۱۹۸۰؛ کانجر، ۱۹۷۷).

فرزندپروری سهل گیرانه با تقاضاهای کم والدین و پاسخ دهی زیاد آنها مشخص می شود. والدین سهل گیر توجه بیش از حد به فرزندانشان نشان می دهند و از آنان انتظارات کمی دارند این والدین اغلب استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می دهند ولی معمولاً اهداف و انتظارات روشنی برای فرزندان ترسیم نمی کنند. اغلب فرزندان خانواده های سهل گیر پیشرفت تحصیلی پایین دارند (دورن باش، ریتز لیدرمن، رابرتز و فرالایف ۱۹۸۷). این والدین فرزندان را به حال خود رها می کنند و الگوی مناسبی برای آنها نیستند کانجر (۱۹۷۷) گرایش به مصرف موادمخدر و سایر رفتارهای ضد اجتماعی در فرزندان بر اثر این شیوه بسیار دیده می شود (ماسن، ۱۹۷۰).

فرزندپروری مستبدانه با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ دهی کم آنها مشخص می شود. والدین مستبد انتظارات بسیار بالایی از فرزندان خود دارند و در تعامل با فرزندان عواطف اندکی نشان می دهند (کانجر و همکاران، ۱۹۹۵؛ دورن باش و همکاران ۱۹۸۷). این والدین لزومی برای ارائه دلیل جهت دستورات خود نمی بینند اطاعت و احترام بی چون و چرای فرزندان تأکید میکنند. کاهش عزت نفس، استقلال و خلاقیت و تأخیر در رشد اخلاقی از ویژگی های فرزندان خانواده های وبر مستبد است (پیترسون، ۱۹۸۴؛ الدر، ۱۹۸۰).

فرزندپروری مسامحه کارانه با تقاضاها و پاسخ دهی کم والدین مشخص می شود. این والدین کنترل و نظارتی بر فعالیتهای فرزندانشان ندارند و گرمی و صمیمیت در این خانواده ها بسیار کم است و والدین مسامحه کار معمولاً از فرزندان خود فاصله می گیرند و به نیازها و تقاضاهای آنان توجه اندکی دارند. البته در مورد این سبک فرزندپروری در مقایسه با سایر سبک ها اطلاعات اندکی در دست است؛ زیرا معمولاً این والدین به دلیل عدم مسئولیت پذیری و بی توجهی نسبت به فرزندان حاضر نیستند در پژوهش هایی که در زمینه فرزندپروری صورت می گیرد مشارکت داشته باشند (مکوبی و مارتین، ۱۹۸۳).

پژوهش ها نشان داده اند که فرزندپروری مستبدانه سهل گیرانه و مسامحه کارانه با پیشرفت تحصیلی همبستگی منفی دارد در حالی که فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی و علاقه به مدرسه همبستگی مثبت نشان داده است (دورن باش و همکاران، ۱۹۸۷؛ لامبورن و همکاران ۱۹۹۱؛ استین برگ و همکاران، ۱۹۹۴). یکی از مهمترین تفاوتهای فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه در مفهوم کنترل روان شناختی نهفته است. کنترل روان شناختی به تلاش والدین برای کنترل رشد هیجانی و روان شناختی کودکشان اشاره دارد در کنترل روان شناختی، والدین تلاش می کنند تا احساساتی نظیر احساس گناه و شرم را در فرزندان ایجاد کنند (باربر، ۱۹۹۶). در هر دو روش والدین از فرزندان تقاضاها و انتظارات بالایی دارند و بر رعایت نظم و مقررات خانواده ها تأکید می ورزند، ولی تفاوت آنها در این است که در فرزندپروری مستبدانه والدین انتظار دارند که فرزندان بی چون و چرا نظرات ارزشها و هدف های آنان را بپذیرند. در حالی که در فرزند پروری مقتدرانه والدین با فرزندان خود تعامل دارند و تلاش میکنند تقاضاهای خود و مقررات خانواده را برای فرزندان خود تبیین کنند. بنابراین اگرچه در هر دو روش والدین رفتارهای فرزندان را بسیار کنترل میکنند ولی در فرزند پروری مقتدرانه والدین از کنترل روان شناختی فرزندان پرهیز میک کنند (دارلینگ، ۱۹۹۹) در قرآن و احادیث بر سبک فرزندپروری



ویژه ای تأکید شده است تا فرزند به درستی و براساس فطرت انسانی که خدا به وی عطا نموده، تربیت شود و شخصیتش در جنبه های مختلف روانی، عاطفی، معنوی فردی و اجتماعی به صورت بهنجار رشد کند. به تعبیر رسول اکرم (ص) روش مناسب روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد، ویژگیهای روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد، زندگی را شایسته تدبیر نماید و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد (حرعاملی، ۱۳۹۸ق، ج ۵، ص ۱۱۵).

از دیدگاه احادیث شیوه فرزندپروری مسئولانه مناسب ترین روش است. شیوه مسئولانه با تقاضاها و پاسخ دهی متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص میشود. در این شیوه والدین کوشش میکنند تا فطرت فضیلت خواهانه فرزندان شکوفا گردد. در این روش براساس فرمایش حضرت علی(ع)، والدین خود را در فرزند پروری مسئول می دانند این شعبه حرانی، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۶۹؛ فرزندان را به عنوان مخلوق های دارای کرامت خداوند دانسته؛ به محبت و مهربانی با آنان رفتار می کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۹۲)؛ عزت و احترام به آنان را وظیفه خویش تلقی میکنند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان بر محور تعادل (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۹۲) و متناسب با اهداف عالیه تربیتی است والدین نسبت به فرزندان مهربانند و انتظارات بیش از حد توان از آنها ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۱۴)؛ ولی اهداف و انتظارات روشنی را برای فرزندان ترسیم میکنند. این والدین نسبت به سرنوشت فرزندان حساس اند و آنان را به حال خود رها نمی کنند بلکه الگوی مناسبی برای آنها می باشند. در این فرزندان رفتارهای غیر اخلاقی کمتر مشاهده میشود و حتی اگر از والدین ناراحت شوند، واکنش نامناسب نشان نمیدهند. از این رو، رفتارهایی که سلامت روانی و معنوی آنها را در معرض خطر قرار دهد، انجام نمی دهند و نسبت به آن مصونیت پیدا میکنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۱۷۸).

این شیوه فرزند پروری موجب پیشرفت های علمی معنوی و اجتماعی فرزندان می شود. از دیدگاه اسلامی نقش والدین در فرزند پروری مسئولانه در دوره کودکی، نقش محبتی، حمایتی مراقبتی آموزشی تأدیبی و انضباطی است. از سوی دیگر، نادیده گرفتن خطاهای کوچک پذیرش فرزند به هنگام خطا عفو و مهرورزی از نقش های اساسی والدین محسوب می شود. ایفای این گونه نقش از ناحیه والدین به کاهش مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری، بزهکاری و سایر رفتارهای نابهنجار می انجامد. این نقش علاوه بر پیشگیری جنبه درمانی نیز دارد؛ چراکه بر آن اساس والدین به اصلاح رفتارهای نامناسب می پردازند. درباره شیوه فرزندپروری مسئولانه امام سجاد (ع) می فرماید: والدین فرزند را از خود میدانند و خوبی و بدی او را خوبی و بدی خودشان دانسته و مسئولیت تربیت نیکوی او را به عهده میگیرند کوشش میکنند او را متوجه پروردگار کنند و از او فردی مطیع پروردگار بسازند. والدین میدانند که خوب یا بد عمل کردن آن ها در روند تربیت فرزند به اجر و پاداش اخروی و یا کیفر الهی منتهی میشود! (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۹). همچنین میدانند که اثر نیکوی تربیت آنان مایه زیبایی و جمال اجتماعی و عزت و آبرومندی آنان می گردد ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۹). براساس فرموده رسول اکرم(ص) والدین میدانند مصون ماندن از آتش جهنم و ارتقاء به درجات بالای بهشتی و عنایت فراوان پروردگار به آنها از آثار تربیت خوب فرزندان و آموزش قرآن و دین به آنهاست (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۰).

در فرزندپروری مسئولانه والدین از هیچ نوع راهنمایی به فرزند خویش دریغ نمی ورزند و خیر و سعادت را برای فرزند خود خواهند (فیض الاسلام، ۱۳۹۲ق، ص ۹۰۳). آنان به فرزند احترام میگذارند و در تکریم شخصیت او می کوشند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۲۵) و از هرگونه رفتاری که فرزند را به عصیان و آزار والدین بکشاند، دوری میکنند (حرعاملی، ۱۳۱۸، ج ۵، ص ۱۱۵) و حتی در حضور دیگران فرزند را نصیحت و راهنمایی نمیکند تا به شخصیت او ضربه ای وارد نشود این شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸۹).

در شیوه مسئولانه والدین با آگاهی از پیامدهای منفی کمبود محبت یا افراط در محبت با ابراز محبت متعادل به پاسخ دهی مناسب میپردازند و به رشد و تربیت فرزند کمک می کنند. والدین می دانند فقدان و یا کمبود محبت زمینه ساز اضطراب، تشویش ناراحتی پدید آمدن احساس حقارت و پناه بردن فرزند به دیگران است و افراط در محبت در فرایند رشد توانایی های فرزندان استقلال و مسئولیت پذیری آنان اختلال ایجاد می کند بهترین پاسخ دهی والد محبت به فرزند است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۱۴)؛ از این رو، فرزند را زیاد دوست دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۹۱) و او را کرراً می بوسد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۹۲) در آغوش می گیرد و نوازش می کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۱)؛ محترمانه و دوستانه



با او سخن می گوید و با او بازی میکند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵) و او را به انجام کارهای خوب و شایسته هدایت می نماید این شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۹).

در شیوه مسئولانه والدین از فرزندان انتظار دارند پذیرای سخنان احساسات و عملکردهای مسئولانه آنان هستند و گفته ها عواطف و رفتارهای خویش را با آنان هماهنگ می سازند بر این اساس والدین مسئول و فضیلت خواه نسبت به اجرای ضوابط و مقررات الهی در دوره های مختلف رشد بازخوردهای متفاوتی دارند؛ در هفت سال اول انتظارات والدین در حد زمینه سازی و تشویق به انجام فضایل است ولی در سنین نوجوانی انتظارات بالاتر می رود.

بحث و نتیجه گیری

روش تربیت فرزندان از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است و می تواند از بروز بسیاری از آسیب های روانی و اجتماعی پیشگیری کند سبک فرزندپروری می تواند پیش بینی کننده رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و حتی مشکلات رفتاری فرزندان در آینده باشد. به طور کلی میزان پاسخ دهی والدین پیش بینی کننده کفایت های اجتماعی و کارکردهای روانی اجتماعی است؛ در حالی که تقاضاهای والدینی با انجام فعالیت های مؤثر و کنترل رفتاری (مانند عملکرد تحصیلی و مشکلات رفتاری رابطه دارد پژوهش هایی که با روش های مصاحبه با والدین گزارش های کودکان و مشاهده صورت گرفته نشان داده است که:

۱. کودکان و نوجوانانی که والدین آنان روش مقتدرانه را به کار می برند، در مقایسه با کودکان و نوجوانانی که والدین آنها از روش های فرزندپروری سهل گیرانه، مستبدانه و مسامحه کارانه استفاده می کنند، از مهارت های اجتماعی بیشتری برخوردارند و فعالیت های مؤثرتر و مفیدتری را انجام می دهند (بامریند، ۱۹۹۱؛ ویس و شوارز، ۱۹۹۶؛ میلر و همکاران، ۱۹۹۳).

۲. کودکان و نوجوانان والدین مسامحه کار در تمامی زمینه ها عملکرد بسیار ضعیفی دارند.

۳. کودکان و نوجوانان والدینی که از روش مستبدانه استفاده می کنند، عملکرد تحصیلی نسبتاً خوبی دارند؛ ولی مهارت های اجتماعی و عزت نفس آنان اندک است و افسردگی در میان آنان بیشتر مشاهده می شود.

۴. کودکان و نوجوانان والدینی که از روش سهل گیرانه استفاده می کنند مشکلات رفتاری بیشتر و عملکرد تحصیلی پایین تری دارند؛ ولی مهارت های اجتماعی و عزت نفس آنان بالاتر است و افسردگی در میان آنان بیشتر است (دارلینگ، ۱۹۹۹).

کیفیت رفتار والدین با میزان احساس کفایت اجتماعی کودکان رابطه دارد. والدین مسئول و مقتدر در تعامل های اجتماعی نقشی حمایتی دارند برایان و کراکن برگ، ۱۹۸۰ و کانجر، ۱۹۸۱ الگوی تربیتی والدین مستبد می تواند در عملکرد اجتماعی کودکان و نوجوانان تأثیرهای متفاوتی داشته باشد. از یک سو، فقدان نقش والدین موجب ضعف در روابط اجتماعی می شود و از سوی دیگر این بی توجهی می تواند باعث گرایش شدید نوجوانان به همسالان و افزایش تعامل با آنان شود (فلمن و وینزل، ۱۹۹۵). در مقابل ارتقای نقش مطلوب والدین موجب افزایش احساس کفایت اجتماعی در فرزندان می شود (ایسنبرگ، مارتین و فابرس، ۱۹۹۶؛ استین برگ و همکاران، ۱۹۹۴) خشونت و بی توجهی والدین علاوه بر تأثیر تعامل های اجتماعی، فرزندان بر بروز مشکلات روانی و عاطفی نیز تأثیر گذار است. الگوی تربیتی مستبدانه با بروز علائم افسردگی و اضطراب (سیمونز و لرنز، ۱۹۹۴؛ گری و استینبرگ، ۱۹۹۴) رفتارهای ضد اجتماعی مانند مصرف الکل و مواد مخدر (کانجر، ۱۹۹۱)، بزهکاری اندروز و لسچاید، ۱۹۹۶) و اختلال سلوک در نوجوانان رابطه دارد.

بر این اساس، باتوجه به نتایج تحقیق مشخص گردید که روش فرزندپروری مسئولانه که مبتنی بر اصولی است که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است می تواند پیامدهای مثبتی در پی داشته باشد. علی رغم اهمیت این مسأله در این زمینه پژوهش های اندکی صورت گرفته است و پیشنهاد می شود که پژوهشگران و مسئولان آموزش و پرورش به این موضوع توجه کافی مبذول داشته و زمینه را برای انجام پژوهش های آتی فراهم آورند.



منابع

قرآن مجید

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۸ق)، وسائل الشیعه، تهران: المكتبة الاسلاميه .

حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۰ق)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران کتابفروشی اسلامیه.

فیض الاسلام علی نقی (۱۳۹۲ق)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، فروع الکافی، تهران: المكتبة الاسلاميه.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری محمد بن قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

نوری میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

Andrews, D., Lescheid, A. (۱۹۹۶). An investigation of risk and protective factors in a sample of youthful, offenders. Journal of child psychology, ۳۴(۴), ۱۹-۲۴

Barber, B. K. (۱۹۹۶). Parental psychological control, Revisiting a neglected construct. Child Development, ۶۷(۶), ۳۲۹۶-۳۳۱۹. EJ ۵۴۵۰۱۵.

Baumrind, D. (۱۹۹۱). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), Family transitions (Vol. ۲, PP. ۱۱۱-۱۶۳). Millsdale NJ: Erlbaum.

Boveja, M. E. (۱۹۹۸). Parenting styles and adolescents' learning strategies in the urban community. Journal of Multicultural Counseling and Development, ۲۶, ۱۱۰-۱۱۹.

Brunk, M., & Henggeler, S. (۱۹۸۴). Child influences on adult controls.

Developmental psychology, ۲۰, ۱۰۷۴-۱۰۸۱.

Bryant, B. M., & Crockenberg, S. B. (۱۹۸۰). Correlates and dimensions of prosocial behavior: A study of female siblings with their mothers, Child development, ۵۱, ۵۲۹-۵۴۴.

Cohn, J. F., & Tronick, E. Z. (۱۹۸۷). Mother-infant face to face interaction: The sequence of dyadic states at ۳, ۶, and ۹ months.

Developmental Psychology, ۲۳, ۶۸-۷۷.

Coleman, J. (۱۹۸۰). The nature of adolescence. London: Methuen. Collins, W. A. (۱۹۹۵).

Relationships and development: Family adaptation to individual change. In S. Shulman (Ed.), Close relationships and socioemotional development (pp. ۱۲۸-۱۵۵). Norwood, NJ: Ablex. Collins, W. A.

(۱۹۹۷). Relationships and development during adolescence: Interpersonal adaptation to individual change. Personal Relationships, ۴, ۱-۱۴.

Collins, W. A., & Madsen, S. D. (۲۰۰۳). Developmental change in parenting interaction. In L. Kuczynski (Eds.), Handbook of dynamics in parent-child relations (pp. ۴۹-۶۶). California: sage publications, Inc.

Conger, J. (۱۹۷۷). Adolescence and youth: Psychological development in a changing world. Journal



of Personality and Social Psychology, ۳۴, ۹۰۷-۹۱۴.
Conger, R. D. (۱۹۸۱). [Review of the book Parental Mistreatment of Children]. Contemporary Psychology, ۲۶, ۷۹۷-۷۹۸.
Darling, N. (۱۹۹۹). Parenting style and Its correlates, ERIC Digest.
ERIC Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education Champaign IL. (ED ۴۲۷۸۹۶).
Darling, N., & Steinberg, L. (۱۹۹۳). Parenting style as context: An integrative model. Psychological Bulletin, ۱۱۳ (۳), ۴۸۷-۴۹۶.
Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., Leiderman, R. H., Roberts, D. F., &
Fraleigh, M. Y. (۱۹۸۷). The relation of parenting style to adolescent school performance. Child development, ۵۸, ۱۲۹۴-۱۲۵۴.